

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

فرستنده: یک هوادار

شعر از: جانباخته خلق ایران "خسرو گل سرخی"

زنگ ریاضی

معلم پای تخته داد میزد
صورتش از خشم گلگون بود
و دستانش به زیر پوششی از گرد پنهان بود
ولی آخر کلاسی‌ها
لواشک بین خود تقسیم می‌کردند
و آن یکی در گوشه‌ای دیگر «جوانان» را ورق می‌زد.
برای اینکه بیخود های و هو می‌کرد و با آن شور بی‌پایان
تساوی‌های جبری را نشان می‌داد
با خطی ناخوانا بروی تخته‌ای کز ظلمتی تاریک
غمگین بود
تساوی را چنین بنوشت: یک با یک برابر است
از میان جمع شاگردان یکی برخاست
همیشه یک نفر باید به پاخیزد...
به آرامی سخن سر داد:
تساوی اشتباهی فاحش و محض است
نگاه بچه‌ها ناگه به یک سو خیره گشت و
معلم مات بر جا ماند
و او پرسید: اگر یک فرد انسان، واحد یک بود
آیا یک با یک برابر بود؟
سکوت مدهشی بود و سوالی سخت
معلم خشمگین فریاد زد آری برابر بود

و او با پوزخندی گفت:

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

آنکه زور و زر به دامن داشت بالا بود و آنکه

قلبی پاک و دستی فاقد زر داشت پایین بود؟

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

آنکه صورت نقره گون، چون قرص مه می‌داشت بالا بود

و آن سیه چرده که می‌نالید پایین بود؟

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

این تساوی زیر و رو می‌شد

حال می‌پرسم یک اگر با یک برابر بود

نان و مال مفت‌خواران از کجا آماده می‌گردید؟

یا چه کس دیوار چین‌ها را بنا می‌کرد؟

یک اگر با یک برابر بود

پس که پشتش زیر بار فقر خم می‌گشت؟

یا که زیر ضربه شلاق له می‌گشت؟

یک اگر با یک برابر بود

پس چه کس آزادگان را در قفس می‌کرد؟

معلم ناله‌آسا گفت:

بچه‌ها در جزوه‌های خویش بنویسید:

.....یک با یک برابر نیست

خسرو گل‌سرخ ۱۳۵۴